

## باستقبال ۱۶ آذر برویم!

جنبش دانشجویی سالی سخت و آکنده از سرکوب و فشار راپشت سر گذاشت. فشارها همه جانبه و سنگین بودند و در حقیقت جنبش دانشجویی در طی این سالها ۱۶ آذرهای متعددی را تجربه کرده است. تهدیدات و زیر علوم مبنی بر اینکه دانشگاه های غیراستاندارد و مغایر با اهداف نظام را با خاک یکسان خواهد کرد و اینکه وظیفه و شأن دانشگاه-اعم از اساتید و دانشجویان- به ادعای این نوکرگوش به فرمان، اطاعت محض (سما و طاعا) در برابر منویات ولی فقیه است، صدور احکام سنگین زندان و تبعید و یا محرومیت از تحصیل به فعالین دانشجویی خود بقدر کافی گویای ابعاد خشونت رژیم هستند. نه فقط به لحاظ بگروه بند و ایجاد شرایط پلیسی بلکه به لحاظ محتوایی هم رژیم در سودای انجام باصطلاح انقلاب فرهنگی دوم و عمیق تر از بار اول است. وسوسه و مالیخولیای ایجاد علوم ناب اسلامی و تغییر ریشه ای علوم اجتماعی و انسانی و محول کردن وظیفه نظریه پردازی به حوزه و روحانیت، هم چون خوره ای به جان رژیم و دانشگاه و جامعه افتاده است. از دیگر اقدامات برای اسلامی کردن محیط های دانشجویی تفکیک جنسیتی و بومی سازی و تصفیه اساتید و انحلال و انتقال بخشهایی از آن به خارج از تهران است. اما در واقعیت امر حربه اصلی همان بگرویند و زندان و ستاره دار کردن و حبس های سنگین و در یک کلام مبادرت به ویرانگری بدون داشتن هیچ گونه بدیل واقعی است. چرا که رژیم جمهوری اسلامی در فاز انحطاط و گندیدگی خود بیش از هر زمانی به سترونی کامل رسیده و بیش از هر موقعی در ارائه طرح های اثباتی کفگیرش به تک دیگ خورده است و اگر بطور جدی به طرح اثباتی ببنادیشد از چننه اش جز بدترین و خشن ترین مواد برنامه ای نئولیبرالی و پیشبردان به خشن ترین وجه، هم چون حذف یارانه ها و آزادسازی قیمت ها در حوزه اقتصادی- بیرون نخواهد آمد. اوج انحطاط و ریاکاری رژیم رامی توان در ناسازه ادعای جنگ نرم با دشمن و ایادی اش ضمن پیشبرد بی کم و کاست برنامه های بازار جهانی مشاهده کرد. با وجود اعمال شدیدترین فشارها و سرکوب، رژیم هم چنان نگران بروز تحولات و اعتراضات دانشجویی است. چرا که خود می داند در محیط های دانشجویی در اقلیت محض قرار دارد و سلطه پادگانی اش بسی شکننده بوده و فضای دانشجویی هم چون آتش زیر خاکستر است. از همین رو است که بانگرانی از نزدیک شدن روز دانشجو به حالت آماده باش درآمده و بر مقررات سختگیرانه و کنترل کننده خود افزوده است. علاوه بر دستگیری شماری از فعالین دانشجویی نصب دوربین های جدید، گشت های درون دانشگاهی و مسدودسازی پیاده روها و.... بخشی از این نوع اقدامات پیشگیرانه است. در کنار آن سخنان رئیس قوه قضائیه مبنی بر رسیدگی به پرونده ۳۰ نفر در رابطه با فاجعه حمله به کوی دانشگاه بخشی دیگری از مانورهای فریبنده رژیم برای فرو خواباندن خشم دانشجویان در آستانه ۱۶ آذر است.

حضور گسترده و فعال دانشجویان در جنبش اعتراضی یکسال ونیم گذشته بر کسی پوشیده نیست. بخش قابل توجهی از جان باختگان جنبش دانشجوی بودند و هیچگاه جنبش دانشجویی تا این حد زندانی و اخراجی و تصفیه شده نداشته است. از این رو بسیار طبیعی است که آزادی زندانیان سیاسی و از جمله دانشجویان زندانی یکی از خواسته های محوری جنبش دانشجویی در شرایط کنونی باشد.

جنبش دانشجویی و شماری از چالش های پیشار و

یکی از ویژگی های مهم جنبش دانشجویی آن بوده که هرگز در وجه اساسی خود جنبشی در خود نبوده بلکه جنبشی بوده است با مطالبات کلان فرادانشگاهی و در پیوند با مطالبات و خواست های عمومی مردم و با جنبش های اجتماعی. بطور سنتی مبارزه علیه استبداد، برای آزادی و عدالت اجتماعی و مخالفت با

سلطه طلبی قدرت های امپریالیستی از مهمترین این مشخصات مطالبات فراگیر جنبش دانشجویی بوده است. بدیهی است که وزن این ویژگی در شرایط گسترش مبارزه ضد استبدادی در جامعه و در متن یک بحران فراگیر سیاسی بیش از پیش برجسته شده و مرزهای درون و بیرون دانشگاه به همان نسبت کمرنگ می شود.

**دومین** ویژگی، گستردگی میلیونی دانشجویان در ابعاد سراسری است و لاجرم با جنبشی بزرگ و دربرگیرنده گرایشات و گفتمان های گوناگونی که در کلیت جامعه وجود دارد. غیر از گفتمان حاکم ولایت مطلقه و سرکوب کننده که در محیط دانشجویی در اقلیت محض است و منزوی و مورد انزجار عمومی، شاهد بازتاب گفتمان های موجود در صفوف جنبش اعتراضی نیز هستیم که شامل گفتمان اصلاح طلبی (سبز طرفدار موسوی و... و حامی تغییر در چهارچوب قانون اساسی نظام) و گفتمان لیبرالی معطوف به یک نظام سرمایه داری متعارف و بالاخره گفتمان چپ یعنی آزادی و برابری اجتماعی هستیم.

باین ترتیب هم در سطح ماکرو به لحاظ وجود گفتمان های گوناگون، جنبش دانشجویی یک جنبش متکثرو چندرویکردی است و هم در سطح میکرو به لحاظ درون گفتمانی و طیف بندی های درونی هر کدام از این طیف ها. این گفتمان ها البته بیش از پیش با تعمیق جنبش و مطالبات مردمی شفاف ترمی شوند و می توان آن را در بیانیه ها و موضعگیری های جریانات مختلف متعلق به هر کدام از آنها مشاهده کرد که ورود به آن خارج از حوصله این نوشته است.

در همین رابطه لازم به ذکر است که طرح باصطلاح هدفمندسازی یارانه ها و آزادسازی قیمت ها که در حکم تهاجم گسترده (ویک جراحی بیرحمانه اقتصادی) به سطح زندگی کنونی و معیشتی دهها میلیونی نیروی زحمت و کار و گسترش شتابان دامن خط فقر است، زمینه مطرح شدن گسترده تر مطالبات معیشتی در کنار مطالبات سیاسی را فراهم تر ساخته و پیوند نان و عدالت اجتماعی با آزادی را به کانون مطالبات عمومی تبدیل می کند. و این همان است که جنایت کاران حاکم آن را با ادبیات خود به عنوان بروز خطر فتنه اقتصادی در ادامه فتنه سیاسی می نامند. بدیهی است که بایبوند این دو زمینه مناسبی برای نقش آفرینی گفتمان عدالت و آزادی و یک جنبش ضد استبدادی-مطالباتی فراهم می شود. این سیاست تهاجمی حار و نئولیبرالی رژیم هم چنین بطور مستقیم دانشگاه ها و مؤسسات عالی را نیز با هدف پولی کردن دانشگاه ها مورد آماج خود قرار داده است. رویکردی که با زیر پا گذاشتن قانونی اساسی موجود خود رژیم در مورد باصطلاح تحصیلات رایگان همراه است یعنی آنچه را که زمانی در زیر فشار انقلاب بهمن ناچار شده بود و لوبصورت نیم بند به پذیرد.

بنابراین لافل مقابله با طبقاتی کردن تحصیلات و مبارزه علیه دانشگاه پولی و آزادی دانشجویان زندانی از جمله مطالبات اخص جنبش دانشجویی است که با مطالبات کلان و سیاسی گره می خورد.

**سومین نکته.** تأکید بر ماهیت مشترک مطالبات کلان جنبش دانشجویی و جامعه و جنبش های اجتماعی و گره خوردگی آنها، اما به معنی نادیده گرفتن استقلال و مطالبات خود ویژه و اخص این جنبش و کم بهادادن به آنها نیست و نباید باشد. چرا که مطالبات عمومی از قضا با عبور از منافع از خود ویژه هر جنبش رنگ و بوی خاص خود را می یابد و در قالب آن می تواند بسیج کننده باشد. بهمین دلیل بی اعتنائی به این واقعیت موجب تأثیر منفی در آزادسازی پتانسیل موجود در جنبش دانشجویی خواهد شد. و در همین رابطه بویژه در شرایط جو سر کوب توجه به مطالبات بی واسطه و فراگیر صنفی و فرهنگی و هنری و ورزشی و... از قضا اهمیت زیادی برای شکل گیری تجمعات اعتراضی با حضور بدنه هر چه بیشتر و پیشروی جنبش عمل می کند.

**چهارم.** از نظر نوع سازمان یابی تأکید بر شکل گیری شبکه ها و محافل و هسته های مبتنی بر ارتباطات و مناسبات افقی که بتواند هم بدنه را بسیج کند و هم از سرسرکوب در امان بماند دارای اهمیت است. هم چنانکه در نظر گرفتن تلفیق کار علنی و مخفی دارای اهمیت است. تجربیات اندوخته شده در طی مبارزات عمومی یکسال و نیم گذشته می تواند در این راستا به خدمت گرفته شود.

**پنجم.** چالش مهم دیگر رابطه گفتمان ها و گرایشات موجود در صفوف جنبش دانشجویی است. تا آنجاکه به گفتمان چپ و آزادی و برابری مربوط می شود، این گفتمان می تواند در یک حرکت دوجانبه و مکمل و همزمان از یکسو بر سازمان یابی نیروهای متعلق به این گفتمان حول اشتراکات پایه ای و بنیادی به پردازد و از سوی دیگر به همکاری و همسوئی حول فصل مشترک های معینی چه در سطح دانشگاه و چه در بیرون از آن به همکاری عملی با سایر گرایشات موجود در صفوف جنبش تازمانی که در برابر استبداد به مبارزه خود ادامه می دهند مبادرت کند. در هر حال در چهارچوب ضرورت تقویت و گسترش یک جنبش دانشجویی متکثروسراسری می توان و باید به آرایش صفوف و تبلیغ و ترویج و سازمان یابی گفتمان چپ و رادیکال و دربرگیرنده همه طیف های متعلق به آن پرداخت.

**ششم.** جنبش دانشجویی خود به منزله یک جامعه فشرده است و تمامی تضادها و چالش های عمده و موجود در جامعه و مطالبات جنبش های مهمی همچون کارگری و مزدحقوق بگیران، زنان و جوانان (و از جمله دانش آموزان و معلمان) و جنبش های تحت ستم ملی و... در آن بازتاب دارد. از همین رو جنبش دانشجویی با داشتن چنین حلقهات متداخلی با سایر جنبش ها می تواند رابطه متقابل و سازنده ای را با آنها برقرار نماید. هم چنانکه می تواند از آنها نیز تأثیرات مثبتی دریافت کند. چنین روندی می تواند در خدمت تقویت یک جنبش ضداستبدادی-مطالباتی در کلیت جامعه باشد.

#### **اعتراض سراسری ۱۶ آذر**

علاوه بر جهت گیری های فوق مساله شکل دادن به اعتراضات سراسری به مناسبت ۱۶ آذر نیز در کانون توجه جنبش دانشجویی است. با توجه به شرایط عمومی و موازنه قوای کنونی چنین تجمعات سراسری می توانند در درون دانشگاه ها و محیط های دانشجویی شکل بگیرند تا در بیرون دانشگاه ها. اما مهم است که این تجمعات بتوانند با داشتن علائم و نشانه ها و اشتراکاتی از نظر طرح برخی شعارها و نوع حرکت و محدوده زمانی و در سطح دانشگاه ها و موسسات عالی دانشجویی در سراسر کشور و با مشارکت هر چه بیشتر بدنه بتواند بازتاب دهنده ماهیت و خصلت سراسری این جنبش و توانایی های آن باشد. بی تردید این نوع حرکت های فراگیر نمی تواند با فرادستی یک گفتمان برگفتمان های دیگر صورت پذیرد، اما می تواند حول اشتراکات معین بین آنها علیرغم وجود اختلافات، و در کنار آزادی تبلیغ برای هر کدام از طیف ها، صورت گیرد. بی تردید ابراز همبستگی و حمایت و لوسمبلیک از بیرون دانشگاه هم چون دانش آموزان و سایر جنبش های اجتماعی و یا ابراز حمایت توسط مردمانی که در اطراف دانشگاه ها حضور پیدامی کنند و لوبصورت سمبلیک و هم چنین بزرگداشت هر چه گسترده ۱۶ آذر توسط جنبش ایرانیان خارج از کشور و حمایت آنها از جنبش دانشجویی داخل کشور داری اهمیت است.

۲۰۱۰-۱۱-۲۵—۰۴-۰۹-۸۹ **تقی روزبه**

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com>